

گاهنامه ادبی دیازپام

سال دوم / شماره ۵ / زمستان ۹۸

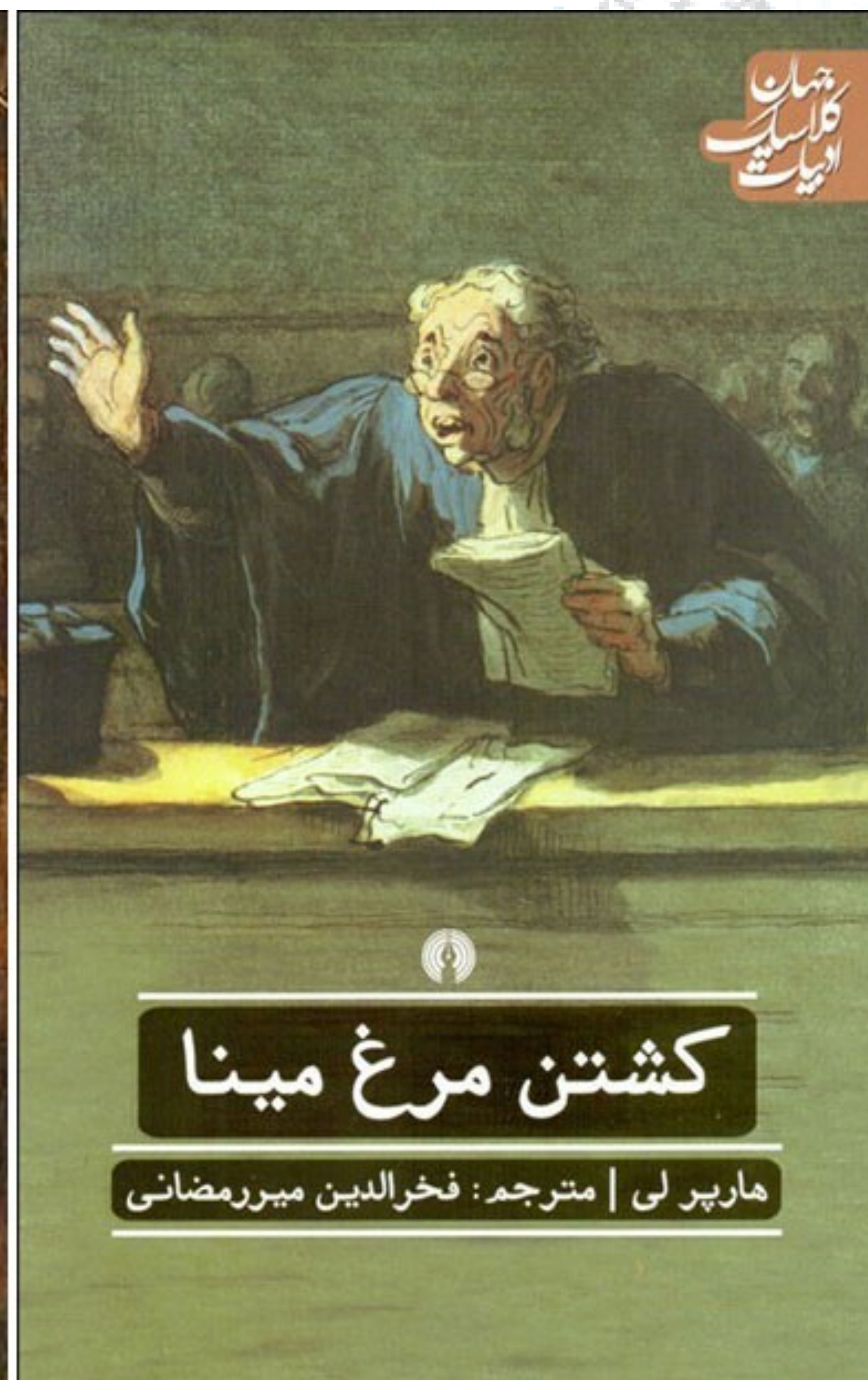
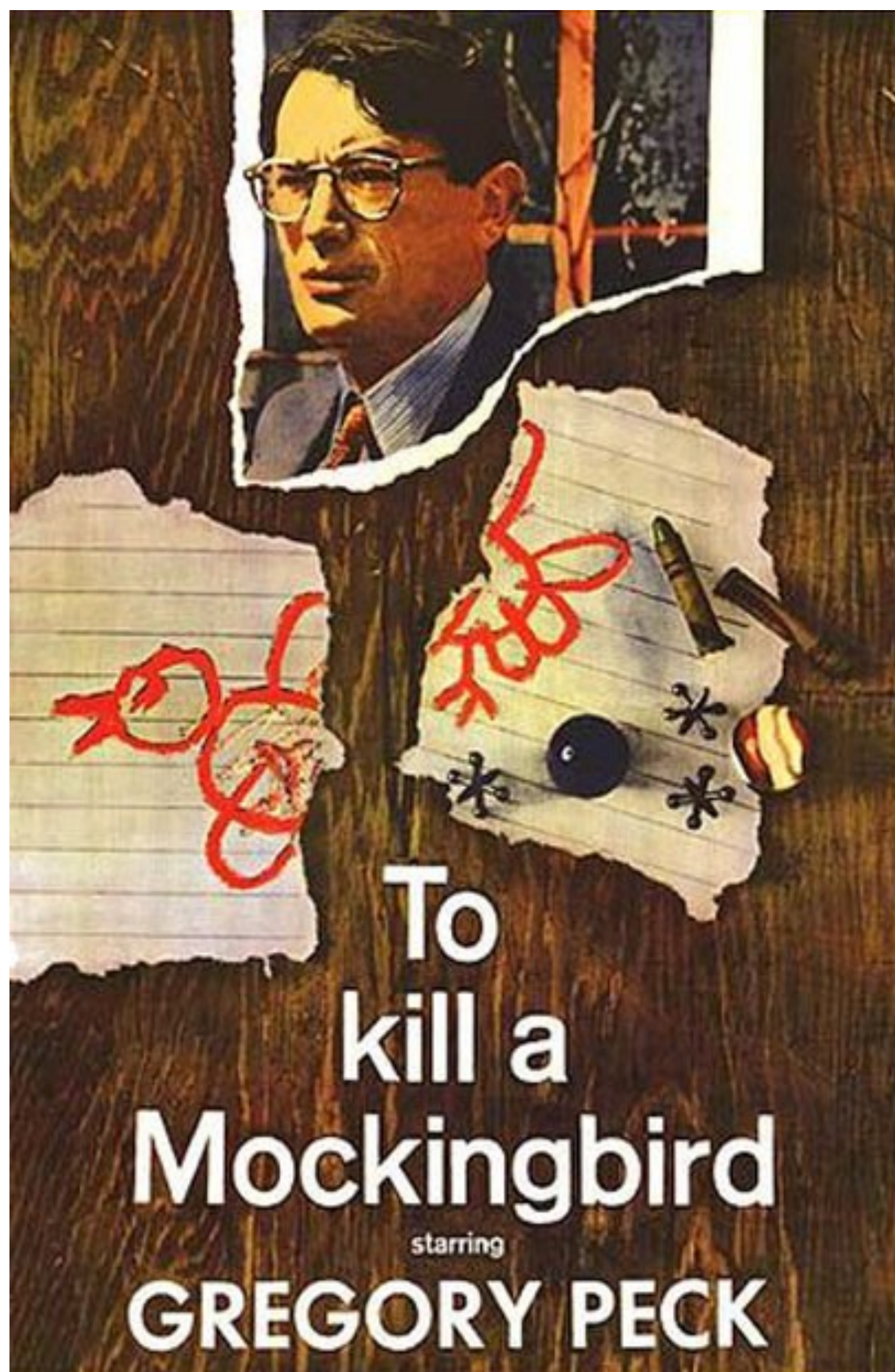


دیازپام

مسابقه حل جدول

معرفی کتاب : کشتن مرغ مینا

آداب سخن گویی از زبان شعر
باید ها و نبایدهای نقد در ادبیات



درباره ی نویسنده: هارپر لی در سال ۱۹۲۶ در مونروویل آلاباما در آمریکا به دنیا آمد. پدرش وکیل معروفی بود و خود نیز تحصیلاتش را در رشته ی حقوق در دانشگاه آلاباما گذراند. در سال ۱۹۵۰ به نیویورک رفت و تا پیش از شروع کار نویسندگی، در یک موسسه ی هواپیمایی کار میکرد. وی کشتن مرغ مینا را در سال ۱۹۶۰ منتشر کرد. بسیاری این اثر را شاهکار می دانند و تاکنون به بیش از ۴۰ زبان ترجمه شده است.

کتاب دیگر او در سال ۲۰۱۵ با عنوان برو و به دیده بانی بگمار منتشر شد. وی یک سال بعد از انتشار کتاب دوم خود درگذشت.

خلاصه ی رمان: کشتن مرغ مینا یا کشتن مرغ مقلد در مورد وکیلی است که پرونده ی اتهام به یک سیاه پوست را پذیرفته است. اما این غیرمنصفانه ترین خاتمه ای است که میتوان برای این کتاب نقل کرد؛ در واقع، این رمان از زبان دختر بچه ی در حال رشدی نقل میشود که پدرش پرونده ی اتهام به یک سیاه پوست را قبول کرده و در جریان این پرونده و اتفاقات ساده ای که برای او میوفتد اولین برخورد او با زشتی ها و ناعدالتی های جامعه و بی رحمی های زندگی بزرگسالان را توضیح میدهد.

در مورد داستان: موضوع اصلی این کتاب نژاد پرستی است؛ اما این کتاب تنها در این مورد صحبت نکرده است که در این صورت کتاب خیلی خسته کننده میشد. مهم ترین موضوع که این کتاب را جذاب میکند، آرامش و نحوه ی برخورد پدر راوی (اتیکوس) با کودکان خود و طرح مسائل دنیای بزرگتران به بهترین نحو و گویاترین زبان برای کودکان خود است.

قسمتی از داستان: شما از این حقیقت خبردارید و حقیقت این است: بعضی از سیاهان دروغ میگویند ، بعضی از آنها فاسد الاخلاقند و ...

اما این حقیقت منحصر به نژاد خاصی نیست. این حقیقتی است که شامل نوع بشر میشود. در این دادگاه هیچ کس نیست که هرگز دروغ نگفته باشد و کاری برخلاف اخلاق نکرده باشد. مردی هم یافت نمیشود که هرگز از روی هوس به زنی نگاه نکرده باشد.

تخت خوابت را مرتب کن !

بهاره صفریان / مامایی ۹۶

کتاب تختخوابت را مرتب کن نوشته ی ویلیام اچ. مک ریون است. او یک دریا سالار بازنشسته ی آمریکایی است. او از فرا گرفته های خود در نیروی دریایی الهام گرفته و این کتاب را نوشته است . رختخوابت را مرتب کن در واقع ۱۰ درس زندگی است که مک ریون اعتقاد دارد این چند درس که شامل نکات کوچک است قادر است زندگی و شاید دنیا را تغییر دهند . خواننده ابتدا ممکن است در مواجهه با درس ها و نکات این کتاب به یاد نکته هایی بیفتد که نشریات گوناگون درباره ی زندگی و موفقیت در آن می نویسند.

اما در واقع شاید نباید به ظاهر ساده ی آن ها نگاه کرد و بهتر است با دقت و تا آخر این مطالب خوانده شود. پس باید دانست که اگر به دنبال کتاب برای ایده گرفتن و یا تلنگری در زندگی هستیم، تختخوابت را مرتب کن می تواند آن تلنگر موثر باشد. این کتاب توسط حسین گازر ترجمه شده و نشر کوله پشتی آن را منتشر کرده است. جالب است بدانید که یکی از پرفروشترین های کتابفروشی های کشور در چند ماه اخیر، تختخوابت را مرتب کن بوده است.



سنجیده گویی و آداب سخن گفتن

از جمله نعمت های ارزشمند که آفریدگار جهان به انسان عطا کرده و مایه اصلی آن را با سرشت بشر درهم آمیخته، قدرت بیان است. نعمت سخن گفتن، عامل مهمی در تکامل انسان است. اهمیت سخن در زندگی انسان آن قدر زیاد است که خداوند حکیم بعد از مسئله آفرینش انسان، از نعمت بیان سخن گفته است. خداوند در سوره الرحمن می فرماید: خداوند رحمان، قرآن را تعلیم داد، انسان را آفرید و به او بیان آموخت. نقش زبان و سخن گفتن در انسان تا آن اندازه است که برخی از فلاسفه و منطق دانان براین این باورند که اندیشیدن همان سخن گفتن است.

زبان در دهان، ای خردمند چیست؟
کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی
که جوهر فروش است یا پيله ور
(سعدی)

سخن گفتن آدابی دارد که مهم ترین آنها را همراه با کلامی نغز از شاعران بزرگ، می آوریم:
میانه روی در هر امری، پسندیده است، ولی در گفتار، پسندیده تر. میانه روی در گفتار موجب می شود گوینده ی سخن از یک سو از گفتن درمانده نباشد و اشتباهات و لغزش های گفتاری او کاهش یابد و از سوی دیگر، شنونده از سخن گوینده، خسته نشود.
سخن را به اندازه ای دار پاس
که باور توان کردنش در قیاس
(نظامی)

از دیگر آداب سخن گفتن، عاقلانه و با تفکر گفتن است. به تعبیر دیگر، بررسی همه جانبه کلام قبل از آغاز سخن است که از اشتباهات و خطاهای احتمالی دور باشد.
نباید سخن گفت ناساخته
نشانید بریدن، نینداخته
تأمل کنان در خطا و صواب
به از ژاژ خایان حاضر جواب
(سعدی)

گوینده سخن باید برای اثر گذاری بیشتر بر مخاطبان، سخنان خود را در قالبی جذاب و زیبا عرضه کند. این گونه سخنان می تواند برای گوینده ی سخن اعتبار و شخصیت ایجاد کند. برعکس، هر اندازه گوینده با معلومات باشد و نتواند آن را به خوبی به دیگران انتقال دهد، مخاطب خود را خسته خواهد کرد.
نطق زیبا ز خامشی بهتر
ورنه در جان، فرامشی بهتر
(سنایی)

نرم بودن گفتار یکی از آداب سخن گفتن در آموزه های دینی اسلام است که در تربیت افراد نقش دارد. جالب این است که حتی با سرکش ترین افراد نیز ابتدا باید نرم و لطیف سخن گفت.
تو با دیو مردم، خرد پیشه کن
به نرمی و آهستگی ران سخن
درشتی و تندی نیاید به کار
به نرمی بر آید ز سوراخ، مار
(فردوسی)

در جستجوی زمان از دست رفته

بهاره صفریان / مامایی ۹۶

جالب است بدانید که در جستجوی زمان از دست رفته، بلندترین کتاب دنیا است. این رمان بلند و طولانی را مارسل پروست، نویسنده ی مشهور فرانسوی نوشته است. پروست را از بزرگترین های ادبیات جهان می دانند. این رمان که در ۷ جلد مجزا نوشته شده است هر کدام نامی مستقل دارد که این نام ها عبارتند از: طرف خانه سوان، در سایه دوشیزگان شکوفا، طرف گرمات، سدوم و عموره، اسیر ۱۳۰۴، آلبرتین گمشده و زمان باز یافته.

در کل می توان گفت که این رمان عجیب و طولانی، داستان زندگی مردی را روایت می کند که اغلب بر این باورند که این مرد شخصیت خود پروست است. این مرد در تمام طول این رمان و اتفاقات به دنبال معنای زندگی است.

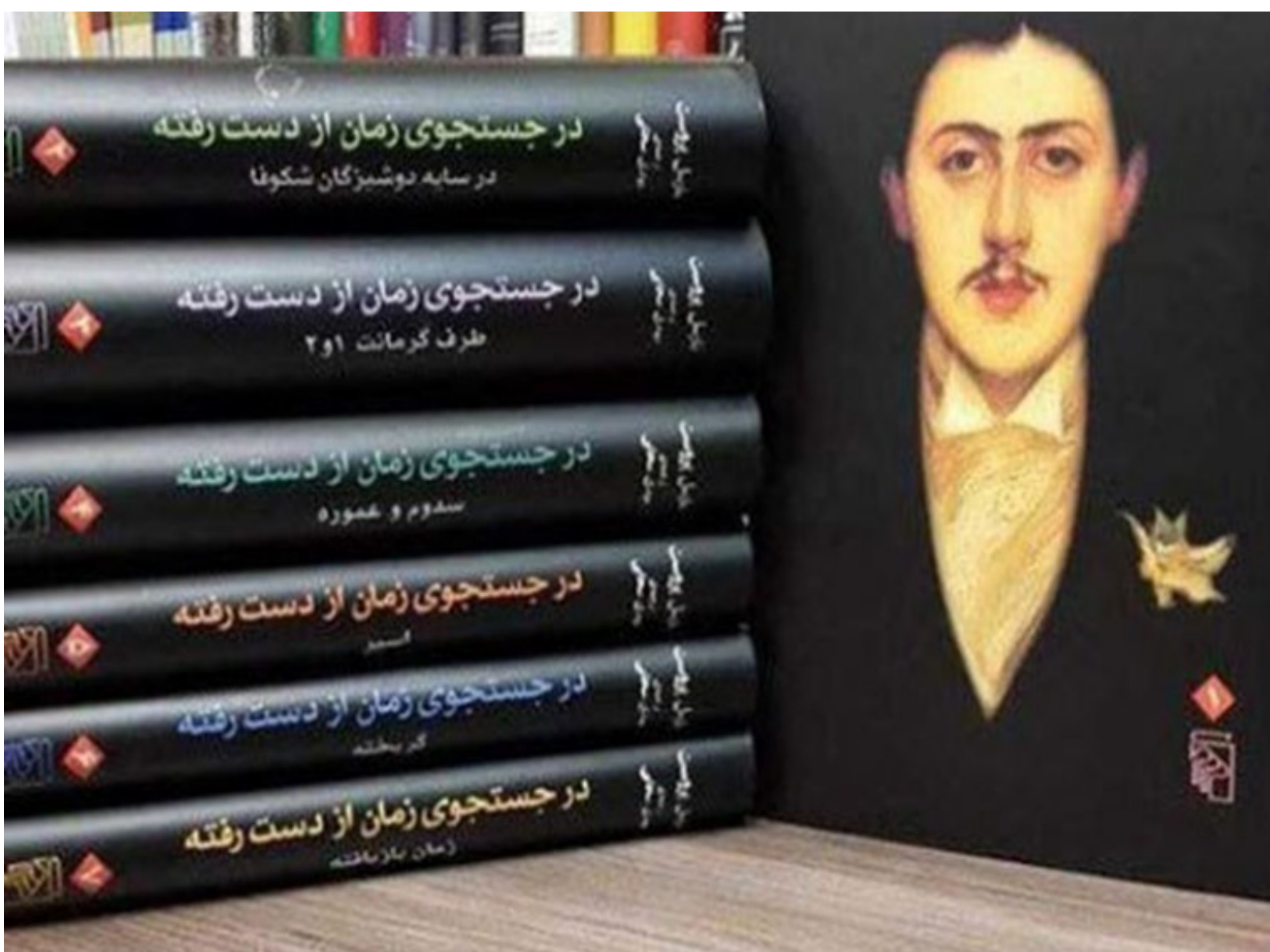
این کتاب شاید در نظر اول خواننده را به دلیل طویل بودن بترساند، اما جالب است بدانید که

سبک نوشتاری رمان ساده و روان است و با این که شامل متن های توصیفی وسیعی است، اما

متن و نوشته پیچیده ای ندارد. در جستجوی زمان از دست رفته دارای داستان خطی معمول

دیگر رمان های کلاسیک نیست. بلکه می توان آن را شرح حالی توصیف کرد که از زبان اول

شخص روایت می شود.



ادامه سنجیده گوپی و آداب سخن گفتن

گفتار باید به حال گوینده یا شنونده سودمند باشد. از گفتن سخنان بیهوده و بی‌ارزش که نفعی به حال مخاطب ندارد، باید خودداری کرد.

بر بساطِ نکته‌دانان خود فروشی شرط نیست یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش (حافظ)

گوینده سخن باید به آنچه می‌گوید، عامل باشد و از زیان آنچه بدان عمل نمی‌کند، بپرهیزد. آنچه به گفتار گوینده ارزش می‌بخشد، عمل به گفتار است.

عنان به میکده خواهیم تافت ز این مجلس که وعظ بی‌عملان، واجب است نشنیدن (حافظ)

از سخن گفتن درباره چیزی که راه آن را نمی‌شناسیم و حقیقت آن را نمی‌دانیم، بپرهیزیم؛ زیرا گفتار ما راهنمای عقل ماست، و سخن ما خبر می‌دهد از شناخت ما.

ای که از عالم خبری نیست تو را بهتر از مَهر خموشی هنری نیست تو را (صائب تبریزی)

یکی از آداب سخن گفتن در ادب فارسی، پرهیز از تکرار سخن است. سعدی در گلستان آورده است: «سحبان بن وائل، فردی بود بی‌همتا در خوش سخنی و نیک گفتاری و دلیل آن، این بود

که اگر یک سال برای مردم سخن می‌گفت، یک کلمه را دو بار بر زبان نمی‌آورد و اگر بازمی‌خواست همان کلمه را به زبان بیاورد، کلمه‌ای هم معنی آن می‌گفت، نه خود آن واژه را

سخن گرچه دل‌بند و شیرین بود سزاوار تصدیق و تحسین بود

چو یک بار گفتی مگو باز پس که حلوا چو یک بار خوردند، بس (سعدی)

با کنترل زبان و پرهیز از سخن نابجا می‌توان راه بسیاری از دشمنی‌ها و اختلاف‌ها را سد کرد. بسا دشمنی‌ها و کینه‌ها که با سخنی نابجا شکل می‌گیرند و با سکوتی به موقع یا سخنی منطقی برطرف می‌شوند.

نکته‌ای کان جست ناگه از زبان هم چو تیری دان که جست از آسمان

وانگردد از ره آن تیر ای پسر بند باید کرد سیلی را ز سر

چون گذشت از سر، جهانی را گرفت (مولوی)

هیچ کس از اینکه میان کلام او دیگری سخن بگوید، خرسند نمی‌شود و این کار را بی‌ادب و بی‌نزاکت می‌داند. پس شایسته است آنچه برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران نیز نپسندیم و

بدون ضرورت، گفتار کسی را قطع نکنیم.

سخن را سَرست ای خردمند و بن میاور سخن در میان سخن

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش نگوید سخن تا نبیند خموش (سعدی)

سووشون

بهاره صفریان / مامایی ۹۶

سووشون نام مشهورترین رمان نویسنده‌ی ایرانی، سیمین دانشور است. دانشور همواره یکی از بزرگترین و محبوب‌ترین نویسندگان ادبیات فارسی به شمار آمده است. جالب

است بدانید که سووشون از اولین بار که در سال ۴۷ منتشر شد تا کنون تجدید چاپ شده و همیشه یکی از پرفروشترین‌ها بوده است. این که تاب که تاکنون به زبان‌های

انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، ژاپنی و چینی ترجمه شده است درباره‌ی فضای اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ است.

سووشون داستان زندگی خانوادگی شخصیتی به نام زری را روایت می‌کند. زری که همسرش یوسف است با فرزندان خود

در شیراز زندگی می‌کنند. زندگی آن دو که به یکدیگر علاقه بسیاری دارند تحت تاثیر تحولات اجتماعی و سیاسی،

دگرگون می‌شود و ... زبان روان رمان سووشون و همچنین گیرایی داستان آن باعث شده که این

کتاب برای خیل عظیمی از مخاطبان از هر قشر و جایگاهی، اثری جذاب و دوست‌داشتنی به شمار

بیاید. سووشون آغازگر فصلی تازه در تاریخ داستان نویسی محسوب می‌شود.



نقد ، جایگاه و پیدایش آن در ادبیات فارسی:

نقد در لغت به معنی تشخیص و تمیز(تفاوت) است و در اصطلاح ادبی به معنی تشخیص نقاط قوت و ضعف یک اثر ادبی است.نقد در چارچوبی تحلیلی مطرح می‌شود که می‌تواند زمینه های مختلف موضوعی را در بر بگیرد. چنان که حافظ می‌گوید:

خوش بود گر محک تجربه آرد به میان/تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد

نقد سنتی در ادبیات فارسی:

در گذشته موازین دقیقی برای نقد وجود نداشته و معیارها تنها به مباحث بیانی محدود می‌شد که برای ادبیات آن دوران که محصور به شعر و نثر است ،تا حدودی کافی بوده است.

ولی امروزه این سبک از نقد برای سنجش آثار ادبی مناسب و کافی نمی‌باشد.

از جمله آثار محدودی که خالی از نکات انتقادی نیست می‌توان به : چهارمقاله ی نظامی عروضی،قابوسنامه، تذکره ی لباب الباب محمد عوفی،تذکره ی دولت‌شاه سمرقندی،معیارالشعار خواجه نصیرالدین طوسی و....اشاره کرد.که در نگاه دقیق حتی این کتب هم جز آثار نقد ادبی محسوب نمی‌شوند.

پیدایش نقد ادبی جدید در ایران:

از مهم‌ترین عوامل پیدایش نقد ادبی جدید در ایران، آشناییِ روشنفکران ایرانی با فرهنگ غرب بود. (موجب پیدایش تفکر انتقادی)

بازتاب این نوع تفکر در آثار میرزا فتح‌علی آخوند زاده، قائم مقام فراهانی ، زین العابدین مراغه‌ای،میرزا آقاخان کرمانی و... به روشنی دیده می‌شود که در انتقاد از ادبیات گذشته است.

هدف نقد جدید:

امروزه هدف ما از نقد نه محکوم کردن یک اثر ادبی است نه تمجید از آن. هدف نقد تنها جدا کردن خوبی ها و بدی های یک اثر است. نقد نمی‌خواهد اثری بیافریند بلکه کار آن فقط تجزیه و تحلیل یک اثر است. به همین دلیل است که ممکن است بهترین منتقد حتی نتواند یک بیت شعر بسراید یا داستان کوتاه بنویسد. از طرف دیگر شاید شاعران و نویسندگان هم خود را نیازمند به آشنایی با اصول و فنون نقد ندانند.

نویسنده و شاعر با پیروی از احساس خود اثری می‌آفریند و سپس منتقد ارزش کار ادبی او را با معیار هایی دقیق محک میزند.

نقد ادبی، بررسی همه جانبه و کامل یک اثر ادبی است. اکتفا کردن به شکل ظاهری اثر یعنی توجه به نقد لغوی کافی نیست و منتقد می باید به بحث در باب جوهر و معنی و مضمون یک اثر ادبی نیز پردازد (نقد معنی) و هدف و غرض خاص شاعر یا نویسنده را باز گو کند

انواع نقد:

نقد انواع بسیاری دارد که به چند مورد آن اشاره میکنیم:

۱.در یک تقسیم بندی کلی شامل نقد منفی،مخرب و سازنده.

۲.نقد عملی و نظری

نقد نظری (Theoretical criticism)

که مجموعه منسجمی از اصطلاحات و تعاریف و مقولات و طبقه‌بندی هایی است که می توان آنها را در ملاحظات و مطالعات و تفاسیر مربوط به آثار ادبی بکار برد. همینطور محک ها و قواعدی را مطرح می کنند که با استعانت از آنها می توان آثار ادبی و نویسندگان آنها را مورد قضاوت و ارزیابی قرار داد و به اصطلاح ارزش گذاری کرد.نقد نظری در حقیقت فقط بیان قواعد و فنون ادبی و نقد ادبی است اما ممکن است آن را در اثری پیاده نکنیم.

نقد عملی یا تجربی (Practical criticism)

این نوع نقد به بررسی تقریباً تفصیلی اثر خاصی می پردازد؛ یعنی استفاده عملی از قواعد و فنون ادبی برای شرح و توضیح و قضاوت اثری. در نقد عملی باید از اصول نظری نقد – که طبیعتاً بر تجزیه و تحلیل‌ها و ارزشگذاری منتقد نظارت و حاکمیت دارند – بطور ضمنی و غیر صریح استفاده کرد. به زبان ساده در عمل از مفاد آنها استفاده شود نه این که بصورت نقل قول، نقد را تحت‌الشعاع قرار دهند. بعبارت دیگر باید بصورت توصیه‌هایی، گاه به گاه و مناسب مقام مورد رجوع و استفاده قرار بگیرند.

۳.نقد ساختار گرا: در این روش نقد دارای ساختار و نظمى است که بر اساس زبانشناسی شکل گرفته.

۴. نقد صورتگرا: متن هنری به صورت نگارشی یکپارچه از دانش انسان جلوه می‌کند و همه‌ی عوامل ضروری برای شناخت متن در همان اثر وجود دارد.

۵.نقد ادبی جدید :شامل نقد اخلاقی،روان شناختی،زبان شناختی،تطبیقی،اسطوره گرا و

یک فحان سر

زمستان سردی در راه است

این را از دور شدنت فهمیدم...

همین که پایت را از خانه بیرون گذاشتی و دست

تصمیمت را گرفتی

تا در رویای من قدم نزنی

و تنها، با حجمی خالی از من

راهی جدید بسازی،

دریافتم که زمستان در گرمترین

فصل سال هم می تواند قد علم کند ..

چه برسد به آنکه تو در پاییز چمدانت را بستی در

مهر دو دل شدی و در آبان مهر بریدی از منی که

چشمانت مهر ستایشم شده بود ...

و سوز شدید آن زمان در جانم رخنه کرد که تو در

آذر، آخرین نگاهت را

به خانه انداختی و دور شدی ...

زمستان سردی در راه است

و من جز دو جیب چیزی برای

گرم کردن دست هایم ندارم !

علی عسکری مصلح / پرستاری. بهمن ۹۶

درک،

از شروع هر خط

تا انتهای یکی شدن

لمس حس مشترک

باوجود دیوار ممتدی از جنس غربت

که توهمی پوچ بیش نبود.

در قعر چاه چشمانت

نوری رو می کرد رازت را

شوقی پشتمی-کرد

شور شوم شکت را

و من غوطه میخوردم

در تلخی خاکستری افکارت

مرز بین ما پلک هایت بود

خطوط شاکی چشم هایت بود

چشم هایت بود

چشم هایت

سعید عسگری / هوشبری ۹۸

بوی سیگار هلو میدهی و ارامش

رژ لب های سیاه و قلم ارایش

هودی دودی تردید و تکاپوی کلاه

قدح باده و باد و آبشاری از مش

صورت سرخ و نگاهی ب بلندای هوس

آفتاب گس پاییز و فرار از تابش

داستان های چخوف موعظه های نیچه

لحظه ی مرگ خدا در جلسات خوانش

کافه ای ک قدغن نیست در آن استعمال

خانه ای ک قدغن نیست در آن اسایش

دوستی های میان من و تو رویا نیست

بی اثر نیست در آن گرچه خیال و بالش

همزمان شک من انگار به غایات جهان

میشود توأم با قطع امید از دانش

ریه های من و سیگار برادر هستند

اخوان ثالث، سوزش و ساز و سازش

دوری ات اشک که نه ابر به چشمم اوخت

پر شده نیمه ی لیوان دلم از بارش

مملو از حس سکوتم نه تمنا و نیاز

سینه ام مخزن شعر است نه کاش و خواهش

برو ای دوست برو مقصد من تنهاییست

خواب زیر خاک دور از ضربان و جنبش

رضا مهری / پزشکی ۹۷

قاصدک باز خبر آوردی؟

پیکی از موسم یار آوردی؟

باد آرام به گوشت چه نوایی خوانده؟

که ز ان مست کنان رقص کنان می چرخ

وز شدت شوق و شعفش

از ساقه ی سبز علفی باز جدا می گردی

دست خود را که به دستش دادی

و بر آن موج بلندای نوازشگر باد

تکیه بر شانه ی او بنهادی

و به هر سو سری گرداندی

باد اما تو را در دل خود می دارد

همچو مادر پی فرزند خودش می پاید

گاه گاهی پی قلقلکی نرم و لطیف

گل خنده به روی صورت می کارد

قاصدک قصه بس است

نزد من آی....

آهسته و آرام بگو

وز چه سفر می کردی؟

خبری از که ، کجا آوردی؟

خبر از یوسف گمگشتیمان آوردی؟

خوش خبر باشی تو ای قاصد یار

که نباشد خبری خوب تر از وصل و وصال

منصوره باقی / علوم آزمایشگاهی ۹۶

گاهی خودم را از فرط دلتنگی سخت در آغوش می کشم

بوسه ای بر دستانم میزنم

غرق دوست داشتن خود می شوم و در کوچه پس کوچه های خیالم دنبال آخرین

باری می گردم که خودم را این چنین دوست میداشتم...

لحظه به لحظه از خود می پرسم که آیا یاد من هنوز در قلب او نفس می کشد؟

هنوز صدای شعرهایی که برایش خواندم در گوشش می پیچد؟ هنوز هم به یاد

من گل های باران زده را دیوانه وار می بوید؟ هنوز هم با شنیدن صدایم قلبش

دیوانه وار و آهنگین می تپد؟ هنوز هم در ربنا ی نمازش مرا از او می طلبد؟ هنوز

با دیدن عکس من هوای دلش ابری و طوفانی می شود و از ته دل آهی سر

میدهد؟

محدثه کابلی فرد / بهداشت محیط ۹۸



نشریه ادبی دیازپام

صاحب امتیاز : کانون شعر و ادب

مدیرمسئول و سردبیر : سبحان قزلو

طراحی و صفحه آرایی : محمد محمودی

t.me/mmd_mahmodi

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا) :

مینا سادات احمدی ، معصومه افشار ، منصوره باقی ، مائده فرخی

فرناز فیروزی ، بهاره صفریان ، علی عسکری مصلح ، سعید عسگری

محدثه کابلی فرد ، رضا مهری

ارتباط با ما

کانال تلگرام [aums_poem](https://t.me/aums_poem)

پیج اینستاگرام [aums_poem](https://www.instagram.com/aums_poem)

برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فعالیت های کانون شعر و ادب ، عضویت و همکاری در نشریه به دفتر کانون شعر و ادب

واقع در **طبقه همکف بال قرمز** مراجعه کرده و یا از طریق راه های ارتباطی با ما در تماس باشید.